



محمد جواد
ترابی

سردبیر ماهنامه نجوم

تکلیف رصدخانه ملی بالاخره چه می شود بزرگ ترین طرح علمی ایران، تعطیل یا فعال؟

در ماه های اخیر بارها، طرح رصدخانه ملی ایران، خبرساز شده است؛ از رسانه های آنور آبی که تیتراژ ده بودند: «بزرگ ترین طرح علمی ایران در آستانه تعطیلی» تا رسانه های داخلی که این گونه پاسخ دادند: «آخرین خبر از بزرگ ترین طرح های علمی تاریخ معاصر ایران / «رصدخانه ملی» متوقف نشده / نوید دستیابی به رصدخانه حرفه ای بعد از هزار سال». اما چرا رسانه های تیتراژهای ضدونقیض درباره وضعیت رصدخانه ملی می زنند؟ برای پاسخ به این سوال بد نیست که نگاهی به آمار و ارقام ببندیم. بنابر گزارش های اخیر، رصدخانه ملی ایران در پنج سالی که از شروع ساخت رصدخانه می گذرد، فقط ۲۹ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است؛ به این ترتیب پروژه ای که قرار بود در سال ۱۳۹۵ به مرحله راه اندازی برسد، دو سال مانده به انتهای برنامه زمانی اولیه، حتی یک سوم هم پیشرفت فیزیکی نداشته است. برخلاف عمده طرح ها، این مشکل، نه از ضعف تیم طراحی و پژوهشی و نه از کم کاری همکاران بین المللی است. حتی تیم طراحی آینه تلسکوپ، کار خود را پس از بازیابی و اصلاح چندباره آینه به اتمام رسانده و قرار است آن را به زودی راهی ایران کند. پس مشکل را باید کجا یافت؟ تخصیص ناکافی بودجه اصلی ترین دلیلی است که تفسیرهای متفاوتی از وضعیت رصدخانه ملی ایران به دست می دهد. از ۱۲۰ میلیارد تومانی که برای ساخت این رصدخانه نیاز بوده تا به حال فقط در حدود ۲۰ میلیارد تامین شده و نزدیک به صد میلیارد تومان این طرح کسری اعتبار دارد. تامین نشدن به موقع اعتبارات، سبب شده است که پژوهشگران و مدیران اجرایی رصدخانه نتوانند، طبق زمان بندی طرح خود را پیش ببرند. حال برخی این را «تعطیلی» تفسیر کرده اند و برخی دیگر با نگاه خوشبینانه، امیدوار به بودجه مصوب در سال های بعد هستند. با حساب و کتاب ساده و بدون در نظرگیری تورم، با همین حالت تخصیص اعتبار دست کم ۲۵ سال دیگر ساخت رصدخانه ملی ایران طول می کشد و آن زمان دیگر با پیشرفت ابزارهای رصدی، احتمالاً به هیچ کار پژوهشی موثری نخواهد آمد. اما اگر خبرها از لابی برای تامین اعتبارات بیشتر (تخصیص ۳۰ میلیارد تومان در سال آینده) صحت داشته باشد، می توان خوشبین بود که این پروژه به برنامه زمان بندی شده خود نزدیک می شود. اتفاقی که بیش از هر چیز در دست دولت و مجلس برای تصویب نهایی بودجه سال ۱۳۹۴ است. اگر هم بودجه به شکل سال های گذشته اختصاص یابد، نام طرح رصدخانه ملی ایران را باید گذاشت کنار طرح های همچنان ناتمام و بی انتهایی مانند آژدره تهران-شمال.



عرفان کسرابی

گروه فلسفه علوم
دانشگاه کاسل

بازار پرسود شبه علم و خرافات و برنامه های فریب عمومی تماس رایگان با ارواح

طراحان برنامه فریب عمومی در سراسر جهان با بهره گیری از ناآگاهی مردم، تجارت پرمنفعتی را پیش می برند. از طالع بین ها و فالگیرهای خیابانی گرفته تا مدیوم های روحی و انرژی درمان هایی که در شبکه های اجتماعی با برنامه های ماهوارهای به شیدای و کلاهبرداری و سوء استفاده از سادگی مشتریان مشغول اند. غیب گوها و فالگیران در سراسر دنیا با یک تماس تلفنی ساده با برنامه ماهوارهای یا با یک کلیک در دسترس اند. در آمریکا هر دقیقه تماس تلفنی با آنها ۳/۹۹ دلار بر دقیقه هزینه در بر دارد و به عبارتی هر ساعت تماس تلفنی مشتریان ۲۴۰ دلار سود عاید فالگیرها می کند. یعنی چیزی به مراتب بیش از دستمزد روانکاوان و متخصصان. مشاوره تلفنی شیدادان و فالگیران و غیب گوها یک صنعت میلیون دلاری است و در سال ۲۰۰۲ یکی از این موسسات با نام «Psychic Readers Network» حدود ۳۰۰ میلیون دلار از این راه کسب درآمد کرده است. متأسفانه در کشور ما ایران نیز صنعت فریب عمومی با پیشه هایی مانند فال قهوه و انرژی درمانی و طالع بینی و درمان با شعور کیهانی و نظایر آن رونق دارد. گردش مالی هرز و آسیب رسانی که ای کاش صرف سبد کتاب و مطالعه می شد و به توسعه علم و فناوری یا فرهنگ و اقتصاد می انجامید.

در قرن نوزدهم جلسات احضار روح و اعمال فراطبیعی در سراسر دنیا به صورت چشمگیری افزایش یافت. مردم برای گفت و گو و ارتباط با روح در گذشتگان در گردهمایی های که در اتاق های تارک بر گزار می شد، شرکت می کردند. مدیوم ها یا همان واسطه های دنیای زندگان و مردگان، گاهی از روی هوا معلق می شدند؛ گاهی صداهای عجیبی به گوش می رسید و اشیایی به ظاهر از دنیای دیگر در تاریکی فرو می آمدند. بسیاری از حقه های آنها پس از مدتی به ملا شد و این جلسات تردستی و شعبده بازی فریبکارانه با اختراع روشنایی الکتریکی به تدریج کم رونق شد. اما داستان به همین جا ختم نمی شود و فالگیران و رمالان و غیب گوها یا به پای تکنولوژی جلو آمدند و امروزه در بسیاری از شبکه های ماهوارهای و سایت های اینترنتی به صورت آنلاین و مجازی به فریب مردمان ساده دل مشغولند.

غیر از فعالیت های حرفه ای کلاهبرداران صنعت فریب عمومی در سطح کلان، بسیاری از مردم عادی نیز از سر تفنن و سرگرمی برای احضار روح از تخته «وی-یا» یا همان «Ouija» استفاده می کنند. ویجا (وی یا) تخته ای صاف و مستطیلی شکل است که روی آن کلمات

«ته»، «بله»، «سلام»، «خداحافظ» و اعداد ۱ تا ۹ و همچنین حروف الفبا به همراه اشکال و نمادهایی نوشته شده است. نمونه ایرانی آن اما معمولاً یک برگه کاغذ و نعلبکی است که گوشه آن با علامت فلش مشخص شده است. افراد حاضر در جلسه با قرار دادن انگشت شان روی نعلبکی سوالاتی مطرح می کنند و نعلبکی روی کاغذ این سو و آن سو حرکت می کند و روی حروف می ایستد. بسیاری از افراد این رویداد را فراطبیعی Paranormal ارزیابی می کنند، اما این رویداد از دیدگاه علمی طور دیگری تفسیر می شود. در واقع حرکت نعلبکی روی کاغذ نه به واسطه نیروهای ناشناخته بلکه تحت تاثیر یک پدیده روانی به نام Ideomotor effect است. یک نوع واکنش ناآگاهانه که Carpenter effect نیز خوانده می شود. در حقیقت افراد ناخواسته با انگشت خود به نعلبکی نیرویی وارد می کنند که از آن آگاهی ندارند و بنابراین تصور می کنند که نعلبکی خود به خود زیر دست شان حرکت می کند.

اما بازگردیم به طرح های فریب عمومی که در شبکه های ماهوارهای و وبسایت ها و مجلات زرد فالگیری و ماوراء الطبیعه تبلیغ می شوند. به عنوان نمونه همین اواخر در یکی از برنامه های ماهوارهای فریب عمومی فارسی زبان فردی ادعا می کرد که سه کالج قدرت پنهان در سرتاسر دنیا دارد. او ادعا می کرد برای انجام مراسم مخصوص «رمالی» حتماً احتیاج به یک آینه صدساله، ۸۵ شمع گیاهی و چندین متر پارچه ابریشم دارد که هزینه این وسایل در آن زمان حدود ۳۵ میلیون تومان می شد. مشتریان بسیاری از گوشه و کنار دنیا این مبلغ را به حساب فالگیر؛ واسطه روحی یا غیب گواری می کردند و غافل از اینکه چه کلاه بر سرشان رفته، حساب بانکی مجریان برنامه فریب عمومی را پر می کردند. متأسفانه بازار فریب عمومی، به دلیل دوری عموم از محتوای دانش و ناآگاهی از علم و روش علمی، همچنان در میان توده های مردم در سراسر دنیا داغ است و مشتریان با اشتیاق بسیار به این صنعت پرسود، منفعت می رسانند.

تخته «وی-یا»

تخته ای که فالگیرهای فرنگی برای فریب مشتریان
مثلاً با هدف ارتباط با ارواح از آن استفاده می کنند

